



Examining negative and positive features Governors in Islamic teachings

Vol. 8
Winter 2023

Seyed Reza Tabatabaieina¹ | Seyed Reza Gaderi²

Research Paper

Received:
16 August 2023
Revised:
29 August 2023
Accepted:
05 September 2023
Published:
21 September 2023
P.P: 81-99

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

Establishing, continuing and strengthening the Islamic government is one of the most important duties and goals of the prophets, imams and divine saints. There is no doubt that the Islamic government will not be realized and will not be successful unless there are agents and managers who are equal to religious standards and Islamic teachings. What is important in between are the conditions and characteristics that brokers must have This research is in response to the question, what are the most important characteristics of agents in Islamic teachings? The author is of the opinion with library research and documents, this situation can be analyzed in two areas. First, in the positive dimension, we can mention special piety, scientific ability, courage in action and insight. Then, in the negative aspect, one should also consider not having a bad background, lack of aristocracy and lack of religious tolerance. In this research, each of these components has been analyzed and explained in an analytical-descriptive way.

Keywords: Governors, Islamic government, characteristics, positive conditions, negative conditions.

1. Department of History and Islamic Civilization, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Qom, Iran. s.tabatabaei1358@gmail.com

2. History of Islam, Faculty of History, Bagheral Uloom, Qom, Iran.

Cite this Paper: Tabatabaieina, S,R & Gaderi, S,R. (2023). Examining negative and positive features Governors in Islamic teachings. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(8), 81–99.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



بررسی ویژگی‌های سلبی و ایجابی کارگزاران در آموزه‌های اسلامی

سیدرضا طباطبایی نیا^۱ | سیدرضی قادری^۲

سال نهم
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
صص: ۸۱-۹۹

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۴۵۲۸
الکترونیکی: ۵۰۷۲-۲۶۴۵



چکیده

تشکیل، تداوم و تقویت حکومت اسلامی، از مهمترین وظایف و اهداف پیامبران و امامان و اولیای الهی است. تردیدی نیست تا کارگزاران و مدیرانی برابر با معیارهای دینی و آموزه‌های اسلامی روی کار نباشند حکومت اسلامی تحقق نیافته و در عمل موفق نخواهد بود. آنچه در این بین مهم است، شرایط و ویژگی‌هایی است که کارگزاران باید دارا باشند. این پژوهش در پاسخ به این پرسش است که، مهمترین ویژگی‌های کارگزاران در آموزه‌های اسلامی چیست؟. نگارنده با بررسی کتابخانه‌ای و به شیوه اسنادی براین باور است، این شرایط در دو ساحت قابل تحلیل است. ابتدا در بُعد ایجابی می‌توان به تقوای خاص، توانایی علمی، شجاعت در عمل و بصیرت اشاره کرد. سپس در بُعد سلبی نیز باید به نداشتن سوء پیشینه، نبود اشرافی‌گری و عدم تسامح دینی پرداخت. در این تحقیق هر یک از این مولفه‌ها به روش تحلیلی- توصیفی، بررسی و تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: حکومت اسلامی، شرایط سلبی و ایجابی، کارگزاران، ویژگی‌ها.

۱. نویسنده مسئول: پژوهشگر و مدرس، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. s.tabatabaei1358@gmail.com

۲. پژوهشگر دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

استناد: طباطبایی نیا، سیدرضا و قادری، سیدرضی (۱۴۰۱)، بررسی ویژگی‌های سلبی و ایجابی کارگزاران در آموزه‌های اسلامی

، دولت پژوهی ایران معاصر، ۴(۸)، ۸۱-۹۹

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1402.9.2.2.4>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

در یک جامعه دینی که حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه تحقق یافته است و داعیه هدایت افراد را به سمت ارزش‌های اسلامی دارد، لازم است والیان و کارگزاران چنین حکومتی از ویژگی‌ها و صفات برجسته‌ای برخوردار باشند تا این نظام اسلامی را در دوران غیبت کبری تقویت نموده تا بتوانند زمینه‌سازی مدینه فاضله مهدوی را فراهم نمایند.

حکومت مهمترین و ضروری‌ترین شرط تحقق زندگی اجتماعی بشر است (حکیمی، ۱۳۷۸: ۱۶۶). هدف و غایت حکومت در اندیشه اسلامی، اعتلای کلمه حق و تعالی همه جانبه مردم در مسیر سعادت است. امیرالمؤمنین (ع) انگیزه خودش از پذیرفتن حکومت را چنین ترسیم فرمود: «پروردگارا تو می‌دانی آنچه ما انجام می‌دهیم نه برای این است که ملک و سلطنتی بدست آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم بلکه بدان سبب بود که نشانه‌های از بین رفته دین تو را برگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرها آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و احکام و قوانین تو که بدست فراموشی سپرده شده بار دیگر عملی شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

بدون شک یکی از ارکان تشکیل، تداوم و تقویت یک حکومت بویژه حکومت‌های دینی بهره‌مندی از والیان و کارگزاران شایسته و لایق است که بتوانند در ارکان و لایه‌های حکومت قرار گرفته و به حمایت و هدایت آن نظام اسلامی مشغول شوند.

برخی از عالمان و شارحان نهج البلاغه صریحاً نوشته‌اند، یکی از نقاط قوت در حکومت امیرالمؤمنین گزینش فرماندهان و والیان صالحی بود که آن حضرت انجام داده بود. هر چند این کارگزاران بسیار کم و انگشت‌شمار بودند لکن به سهم خود در تقویت حکومت علوی کوشیده‌اند (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۶۰).

بی‌تردید این نگاه به کارگزاران در یک جامعه دینی محدود به نهادهای حکومتی نمی‌شود، بلکه همه کسانی که مرجعیت عمومی از حیث علمی و عملی و اخلاقی دارند، باید در گزینش افراد

مجموعه خود کوشا بوده و تمامی سعی خود را در بکارگیری افرادی شایسته با صفات والایی به کار گیرند.

لذا در این مقاله به بررسی ویژگی‌های خاص که لازم است کارگزاران اسلامی داشته باشند برابر با آیات و روایات تحلیل شده است. ابتدا به صفات و ویژگی‌های ایجابی، و سپس ویژگی‌های سلبی آنان را مورد توجه و تحلیل قرار دادیم.

مبانی نظری پژوهش

تردیدی نیست تمامی آموزه‌های اسلامی و تعالیم و معارف آن برای سعادت انسان در دنیا و آخرت تدوین شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۳۱۱). یک نظام اسلامی و حکومت مبتنی بر تعالیم اسلامی باید چنین اندیشه را دنبال کرده و امتداد عینی ببخشد، از آنجایی که مهمترین مولفه در یک حکومت کارآمدی آن است (معینی، ۱۳۷۰، ص ۵۵)، و این کارآمدی بدون شایستگی کارگزاران و حاکمان آن محقق نمی‌گردد. میزان توانایی کارگزاران، نقش اساسی در رسیدن به سکوه‌های موفقیت و تحقق اهداف آرمانی آن جامعه دارد. امام خمینی (ره) در اوایل تشکیل جمهوری اسلامی، هدف از تشکیل و تحقق آن نظام را تامین آزادی ملت، تعیین سعادت مردم و رشد اخلاقی آنها دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۶). بسیار روشن است این اندیشه ناب، زمانی جامعه عمل می‌پوشد که خود حاکمان، از ویژگی‌های لازم در ساحت اخلاق و رفتار در وجود خویش بهره‌مند باشند. از سوی دیگر باید دانست مردم در یک جامعه اسلامی، امانت‌های الهی در نزد حاکمان و مدیران جامعه هستند. مسئله آن قدر از اهمیت برخوردار است که، امیرالمؤمنین در نامه‌ای به مردم مصر می‌نویسد: «همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق و به پاداش او امیدوارم، لکن از این اندوهناکم که کارگزارانی نالایق، بی‌خرد، تبه‌کار بر شما حکومت کنند، و کار امت را به دست بگیرند» (نهج البلاغه، نامه ۶۲). سیره و روش آن امام همام نیز همیشه بر این بوده که از یک جهت کارگزارانی لایق منصوب نماید، و از جهتی دیگر ویژگی‌ها و صفات برجسته‌ای در ساحت اخلاق و رفتار را متذکر شود، تا همگان متوجه این صفات در حاکمان باشند.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. عنوان یا توضیح مختصر

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۵)	اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی	کتابخانه‌ای	توصیه به رعایت امانتداری و حق الله، حق الناس و حق النفس، حقوق عمومی و نظم توسط کارگزار
۲	مسعود رائی (۱۳۹۰)	آسیب شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام	کتابخانه‌ای	اخلاق حاکمیتی و اخلاق شخصیتی حوزه آسیب کارگزاران است اسلام بر نظارت درونی در این حوزه تاکید دارد.
۳	سیده عالیہ آذر طوس (۱۳۹۲)	غایات اصلی حکومت دینی از دیدگاه امام خمینی (ره)	کتابخانه‌ای	پژوهش به مفهوم سعادت، تمایز آن با لذت و ترادفش با کمال و غایت اصلی بودن سعادت برای افراد در نظام سیاسی اسلام پرداخته است.
۴	حسین جلایی نوبری (۱۳۹۹)	ضرورت مراعات اخلاق و رفتار اعتقادی کارگزاران حکومت دینی از منظر امیرالمومنین (ع)	کتابخانه‌ای	مهمترین اصول اخلاقی کارگزاران شامل تقوا، عدالت، امانتداری، تواضع و ... است

دولت پژوهی ایران معاصر

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۵	سیدمحمدعلی تقوی و ماجده حائری (۱۳۹۷)	کارگزاران و حوزه‌های اخلاق در سیاست	توصیفی-تحلیلی	دامنه دخالت اخلاق در سیاست بر حسب کارگزار شامل اخلاق شهریاری و اخلاق شهروندی است. و این دو شامل فضیلت سیاسی یا مدنی‌اند
۶	زینب نریمانی (۱۴۰۰)	واکاوی مضامین ویژه‌نامه‌های امام‌علی به کارگزاران در حوزه‌های اخلاق بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی	تحلیل محتوای کیفی	مضمون ویژه در حوزه اخلاق فردی ساده‌زیستی؛ در حوزه اخلاق الهی مضمون تقوا و در حوزه اخلاق فردی ساده زیستی است
۷	سیداحمد حبیب نژاد و زهرا عامری (۱۳۹۷)	معیارهای اخلاق حرفه ای کارگزاران در نظام مدیریت شایسته (در پرتو اندیشه علوی)	توصیفی-تحلیلی	موازن اخلاقی حکومت علوی در بخش: رفتار کارگزاران، وظایف آنها در برابر مردم، مقام مافوق و کارکنان تحت مدیریت بررسی می‌شود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و در انجام آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده به عمل آمده است. مولفه‌های مورد نظر شامل عناصر اساسی هدف، روش و نتایج ارزشیابی است. در گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی عمل شده و در این مسیر به متون و منابع دینی به ویژه قرآن،

نهج البلاغه و احادیث مراجعه شده است. لازم به یادآوری است که پژوهشگر تا جایی که ممکن بوده از قرآن و نهج البلاغه به عنوان منابع اصلی پژوهش استفاده نموده و کمتر به سراغ سایر منابع اسلامی رفته است. لذا در راستای گردآوری داده‌ها، استفاده حداکثری از قرآن و نهج البلاغه و استفاده حداقلی از سایر منابع مدنظر بوده است. همچنین به منظور تعمیق بیشتر بحث‌ها از تفاسیر مربوط به قرآن نیز کمک گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های ایجابی کارگزاران:

۱- ایمان و تقوای ویژه

در نظام اسلامی دین در ارکان و عرصه‌های زندگی حضور دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۸۷). بی‌تردید یک نظام اسلامی باید هدف اصلی آن ایجاد زمینه‌های تقرب و بندگی (سوره قمر، آیه ۵۳) باشد، که در کنار اهداف دیگری چون برقراری نظم و امنیت (سوره مائده، آیه ۳۳)، و تأمین رفاه و توسعه بر مبنای عدل و قسط (سوره حدید، آیه ۲۵) و ارتقای تربیت و اخلاق (سوره جمعه، آیه ۳) تأمین می‌شود. لکن آنچه به یک نظام اسلامی هویت می‌دهد آن است که، به ترویج احکام و معارف دینی و نمادهای آن پرداخته، و در مقابل نمادهای کفر و شرک و نگره‌های باطل و خرافه و فسادانگیز مقابله کند.

بدون تردید کسانی می‌توانند عهده‌دار مناصب در یک نظام اسلامی شوند که، از ایمان فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند، تا بتوانند راهنما و الگویی در منظر دیگران شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «أَقْمَنَ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقَّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (سوره یونس، آیه ۳۵). آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کسی که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما چگونه داوری می‌کنید.

علامه طباطبایی (ره)، در ذیل این آیه دو نکته را متذکر می‌شود. نکته اول اینکه، این هدایت‌گری انحصار در خداوند ندارد بلکه شامل انبیا و اولیای او و دیگر هادیان صالح نیز

می‌شود. نکته دوم، این آیه کریمه ویژگی هدایت‌گری و راهنمایی را با تعلیل بیان کرده است، تا عصبیت و جهالت مشرکان را کنار زده، و آنان را جهت‌پذیرش این راهنمایان آسان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۹۲).

از تعلیل خداوند متعال در این آیه بر می‌آید، کسانی که از هدایت‌های الهی بهره بیشتری برده‌اند، و پله‌های ایمان و تقوا را بیشتر از دیگران طی کرده‌اند، آنان را باید در پذیرش مسئولیت‌های حکومتی ترجیح داد. صرف ایمان و تقوایی که در بسیاری از مؤمنان وجود دارد، هر چند از شروط لازمه در مدیریت و هدایت جامعه است، لکن باید توجه کرد کارگزاران نظام اسلامی باید از چنان ایمان و معنویتی برخوردار باشند که نورانیت آن در افراد و جامعه تبلور یابد و سبب تقویت و تربیت افراد جامعه شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

همگان قبول دارند، یکی از عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) در دوران ده سال حکومت آن حضرت در مدینه، همراهی کارگزاران و اصحابی بود که، جز خدا و رضایت او را مد نظر نداشتند. هر والی و حاکمی که پیامبر اکرم (ص) در نقاط متعددی از پهنه حکومت نبوی خود قرار می‌داد، برخوردار از ایمان، پاکی و تقوایی بودند که نه تنها اطرافیان را بلکه افراد عادی را مجذوب خود می‌کردند (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۴).

حضرت امام خمینی (ره) در کلمات نصیحت‌گونه خود، از طلبه‌ها می‌خواهد زیاد در مقدمه غور نکنند، بلکه به ذی‌المقدمه بپردازد، که همان تهذیب و جهاد با نفس و جلا دادن قلب با تقوای الهی است (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۵۷). عجیب آن است که امام (ره) می‌فرماید: «اگر تقوا و تهذیب نفس نداشته باشید، و به مراحل بالایی از ایمان و تقوی نرسید، نمی‌توانید در هدایت‌گری جامعه موفق باشید، و ممکن است دیگران در شما طمع و نفوذ کنند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۵۸). کارگزاران مؤمن و با تقوا در یک نظام اسلامی، می‌توانند کارگشایی کرده و با توکل و به ایمان به خداوند و وعده‌های زیبای الهی در مقابل دشمنان بایستند، و هیچ‌هراسی به خود راه ندهند و به خود اجازه ندهند با نگرش خود جامعه، و مردم متدین، آن را دچار تزلزل و یأس کنند.

۲- توانایی علمی

هر شغل و منصبی برای هر کسی مناسب نیست، از طرفی هم ایمان و تقوا در تأمین نیروها و کارکنانی که از عهده وظایف حکومتی برآیند کافی نیست. لذا باید مدیران و کارگزاران لایق را انتخاب کرد که مطابق با منصب خود از توانایی علمی برخوردار باشند.

وقتی حضرت موسی (ع) به پیامبری مبعوث شد، و خداوند مسئولیت هدایتگری فرعون و قومش را بر عهده او گذاشت، این پیامبر کلیمی از خداوند متعال خواست تا برادرش هارون را وزیر او قرار دهد، و در کارش شریک باشد تا با این پشتوانه به رسالت خود بپردازد (سوره طه، آیات ۳۴-۳۰). در تفسیر نمونه آمده است؛ ممکن است بدو چنین توهم شود که حضرت موسی (ع) روابط خانوادگی را ملاک گزینش قرار داده است، لکن در آیه دیگر (سوره قصص، آیه ۳۴) مبرهن می‌شود که، ملاک فصاحت و توانایی بیان هارون می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۳۱۱)

خداوند متعال در آیه دیگری از بیان حضرت ابراهیم (ع)، به همگان می‌آموزد، در کیفیت اداره جامعه اسلامی به توانایی‌های علمی و کارشناسی‌های تخصصی توجه کن؛ «یا أَبَتِ اُنّی قد جئنی من العلم مالم یا تک فاتبینی اهدک صراطاً سوياً». ای پدر دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم (سوره مریم، آیه ۴۳).

برخی از عالمان و مفسران ذیل این آیه نوشته‌اند، اینکه حضرت ابراهیم (ع) امر به متابعت از خود را متفرع بر وجود علم در نزد خود نموده است، دلیل می‌شود که، ارتکاز عقلی مردم هم همین بوده است که بشر، همیشه باید از علم و عالمان تبعیت کند تا جلب منفعت یا دفع ضرر کند (ابن عاشور، ۱۳۸۴، ج ۱۶، ص ۴۷). در آیه دیگری از قرآن از زبان حضرت یوسف آمده است که فرمود: «اجعلنی علی خزائن الارض اُنّی حفیظ علیم». مرا سرپرست خزائن مصر قرار بده که من نگهدارنده و آگاهم (سوره یوسف، آیه ۵۵).

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، در مورد این آیه می‌فرماید: «اینکه حضرت یوسف در پذیرش امور اقتصادی مصر به دو ویژگی حفیظ و علیم استدلال کرده است، بخاطر اینکه این دو ویژگی در تصدی این مسئولیت لازم بوده، و کسی از او تواناتر نبوده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۰۱).

قرآن کریم در سوره بقره، که جریان انتخاب طالوت از سوی اشموئیل پیامبر به عنوان کارگزار و فرمانده نظامی اشاره شده، و نیز اعتراض مردم بر این انتخاب به اینکه طالوت مال و ثروت ندارد، می‌فرماید: «قال ان الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة في العلم و الجسم». اشموئیل پیامبر فرمود: خداوند او را به شما برگزید و او را در علم و جسم وسعت بخشیده است (سوره بقره، آیه ۲۴۷). در تفسیرالمیزان آمده است: «برای تدبیر امور مردم و رساندن هر فرد به کمال لایق خود و رفع موانع پیشرفت در مسائل نظامی دو چیز لازم است، یکی علم و دیگری نیروی جسمانی لازم برای اجرای نظریات» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۰۵).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من استعمل عاملاً عن المسلمین و هو یعلم ان فیهم من هو اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنه نبیه فیه، فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین». هر کسی از میان مسلمانان کارگزار گردد، در حالی که می‌داند دیگری نسبت به او در این کار آگاهتر به کتاب خدا و سنت رسولش است، به خدا و پیامبر و تمامی مسلمانان خیانت کرده است (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۱). این روایت در منابع شیعی نیز وارد شده است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۱۵)

۳- سعه صدر

جایگاه ارزشی هر فرد در جامعه اسلامی، بر اساس ارزش‌های اخلاقی تعیین می‌شود و لو کارگزار و والی جامعه باشد، لکن برخی از صفات اخلاقی در مناصب و موقعیت‌های مختلف می‌تواند، میزان و مورد سنجش در تعیین صلاحیت‌ها قرار بگیرد.

امیرالمؤمنین (ع) که خود رهبر و حاکم مسلمین بوده است، در تعیین زمامداران و مدیران جامعه اسلامی بیشترین دقت و توجه را داشته است. لذا در بیانی می‌فرماید: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم». این پرچم زمامداری (و مدیریت جامعه) را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به دوش نمی‌کشند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳).

کسانی می‌توانند در یک نظام اسلامی پذیرای مسئولیت شوند، که قلبی مملو از رحمت و لطف الهی داشته باشند، و با امید به فضل و رحمت باری تعالی در مقابل ناملازمات و حوادث سنگین استقامت ورزیده و سست نشوند.

خداوند متعال در جریان رسالت حضرت موسی (ع) درس‌های زیادی به همگان می‌آموزد. هنگامی که حضرت موسی (ع) آهنگ رفتن نزد فرعون نمود، گفت: «ربّ اشرح لی صدی». .

پروردگارا سینه مرا گشاده بدار (سوره طه، آیه ۳۵). این شرح صدر را حضرت موسی (ع)، در هنگام پذیرش امر رسالت خود، برای هدایت فرعون و درباریان‌ش، و نجات بنی اسرائیل و اداره امور مربوط به ایشان، از خداوند درخواست نمود.

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «این درخواست موسی (ع) از پروردگار برای آن بود که حل مشکلات جامعه و محنت‌هایی که وارد می‌شود تحملش زیاد باشد؛ و سختی‌هایی که در مسیر دعوتش است آسان جلوه کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۲۱).

تردیدی نیست حضرت موسی (ع)، از پیامبران با عظمت الهی است، و از ایمان و تقوای بلندی برخوردار است که دیگران باید از او پیروی کنند. لکن در پذیرش مسئولیت که پاسخگوی بسیاری از جوانب زندگی دینی و دنیوی مردم باشد؛ و بتواند از تمام شدائد و گرفتاری‌ها عبور کند، لازمه‌اش تحمل پذیری و سعه صدر بالاست.

در تفسیر نمونه در ذیل همین آیه (سوره طه، آیه ۳۵) آمده است: نخستین سرمایه برای رهبر انقلاب سینه گشاده، حوصله فراوان، استقامت شهامت و تحمل بار مشکلات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۸۶).

امیرالمؤمنین (ع) در کلمات حکمت‌آمیز خود فرمود: «آلَةُ الرَّئِيسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ». بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶).

علامه حسن‌زاده آملی در شرح این جمله کوتاه علوی در تعلقات خود به منهای البراءة می‌نویسد: «منصب و ریاست چه از نوع الهی مانند منصب نبوی، امامت، رهبری و آنچه در این شبکه قرار می‌گیرد؛ و چه از نوع بشری که با انتخاب و یا با قهر و غلبه بدست می‌آید، نیازمند حلم و بردباری زیادی است» (حسن‌زاده آملی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۸۵).

بدون شک سعه صدر از عوامل موفقیت کارگزاران و مدیرانی است که، برای اجرای اهداف حکومتی پذیرای مسئولیت شده‌اند. این صفت پسندیده اخلاق می‌تواند، آنها را در مقابل موفق کرده؛ و برای مردم خود مایه آرامش و دلگرمی باشد.

۴- شجاعت

از جمله شرائط و اوصاف کارگزاران و مدیران جامعه اسلامی آن است که؛ دارای شجاعت بوده و در انجام وظایف خود هراسی به دل راه ندهند.

امیرالمؤمنین(ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر صریحاً می‌نویسد: «فول من جنودك اهل النجدة و الشجاعة»؛ برای فرماندهی سپاه خود افرادی پارسا و شجاع انتخاب کن (نهج البلاغه، نامه ۵۱). آنقدر این صفت شجاعت مهم بوده که، امام علی(ع) برای افرادی که طرف مشورت در امور حکومتی قرار می‌گیرند نیز آنرا متذکر شده و می‌فرماید: «و لا تدخلن فی مشورتك جبناً یضعفك عن الامور». در مشورت خود افراد ترسو را راه نده؛ زیرا در انجام کارها روحیه تو را تضعیف می‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

از لوازم یک حکومت دینی آن است که، در اجرای ماموریت‌ها و وظایف قاطع باشد. از سوی دیگر ممکن است حالات بحرانی در مقابل آفات و ضررهای ارضی و سماوی در جامعه ایجاد شود؛ و از جهتی نگاه‌های تهدیدآمیز دشمنان اسلام و مملکت حدت و شدت یابد، که در این صورت، نیازمند تصمیم‌گیری‌های شجاعانه توأم با تدبیر است که؛ باید کارگزاران و مدیران جامعه از شجاعت فوق العاده‌ای برخوردار باشند تا از عهده این مسئولیت‌ها برآیند.

امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه به ترسیم کارگزاران شایسته پرداخته؛ و گاهی هم به صورت مصداقی به آن اشاره کرده است. در نامه ۵۱ نهج البلاغه، مالک اشتر را نمونه یک مدیر لایق معرفی کرده و در ضمن خصوصیات این کارگزارش می‌نویسد: «لاینام ایام الخوف و لاینکل عن الاعداء ساعات الروع، اشد علی الفجار من حریق النار». مالک اشتر مدبری است که، در روزهای وحشت نمی‌خوابد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی برنمی‌گرداند و بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است (نهج البلاغه، نامه ۳۸).

آن امام همام در مورد قدرت تصمیم‌گیری و شجاعت در انجام وظایف می‌فرماید: «اذا علمتم فاعلموا و اذا تیقنتم فاقدموا». آنگاه که به علم دست یافتید عمل کنید؛ و آنگاه که بر یقین رسیدید اقدام کنید (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

بی تردید حاکمان و کارگزاران در همیشه تاریخ مورد توجه افراد جامعه بوده‌اند. این خصیصه شجاعت آنقدر موثر است که، می‌توان جامعه‌ای را در بزنگاه‌های مهم از سستی نجات داده؛ و سبب ایجاد همت بلند و تقویت ابداعات و پیشرفت‌های غیر قابل باوری گردد.

۵- بصیرت و آگاهی

یکی از ویژگی‌هایی که اخیراً وارد ادبیات اجتماعی و سیاسی جامعه ما شده، و لکن در اندیشه دینی دارای ریشه‌های عمیقی است، عنصر بصیرت است. در تحلیل صفات کارگزاران نظام اسلامی هر یک قابلیت خاصی دارد که می‌توان اهمیت بصیرت را در قابلیت‌ها و ظرفیت‌های گوناگون و ذوابعاد آن مشاهده کرد.

در تحلیل بصیرت گفته‌اند: «البصیره ما یخلصک من الحیره». بصیرت آن نگاه نافذ و معرفت والایی است که تو را از حیرت رها می‌سازد (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

خداوند متعال در قرآن کریم اساس بندگی و اطاعت از دستوراتش را بصیرت می‌داند. «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی». ای رسول ما، بگو این طریقه من و پیروان من است که خلق را با بینائی و بصیرت دعوت می‌کنیم (سوره یوسف، آیه ۱۰).

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) و در جریان سقیفه بنی ساعده و خانه‌نشینی شدن امیرالمؤمنین (ع) می‌بینیم فریادهای حضرت فاطمه (س) از این حیث بود که اصحاب پیامبر (ص) را دچار بی بصیرتی می‌دید و اینکه نمی‌توانستند قضایا را تحلیل کرده یا برابر با واقع اقدام کنند. لذا در مسجد نبوی فریاد برآورد: «یا معشر البقیه و یا عماد المله و حصنه الاسلام ما هذه الفتره فی حق و السنه عن ظلامتی». ای یادگاران پیامبر، و ای ستون‌های ملت و ای دژهای اسلام، این چه فترت است در حق من، و این چه غفلتی است از ستم بر من (اربعلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۸۹).

بصیرت آنقدر ارزشمند است که می‌تواند جریان‌های تاریخی را به نفع اهالی حق و عدل تغییر داده و حتی تداوم ببخشد. هرچند ندای حضرت فاطمه (س) پاسخ داده نشد، لکن در روایات متعددی از عنصر بصیرت در اصحاب حضرت مهدی (عج) سخن به میان آمده است؛ به این بیان که به محض اعلام ظهور از ناحیه آن منجی بشری، یاران خاص آن حضرت در کمترین زمان ممکن خود را به مکه رسانده و اعلان حمایت و اطاعت کامل خود را بیان می‌دارند (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۱۴۵-۱۴۴).

شهید مطهری (ره) در تحلیل بصیرت امام حسین (ع) و اصحاب خاص حضرت می‌نویسد: بصیرت و روشن بینی یعنی امام حسین (ع) در آن روز چیزهایی در خشت خام می‌دید که دیگران در آئینه هم نمی‌دیدند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۸۴).

بدون شک حکومت اسلامی در مسیر خود با حوادث و جریان‌های گوناگونی روبرو می‌شود که ممکن است برخی از این جریان‌ها لباسی از حق بر خود پوشانده باشند. لذا کارگزاران با بصیرت می‌توانند نقاب از چهره این جریان‌ات کنار زده و واقع را مورد توجه قرار بدهند. لازم به ذکر است عنصر بصیرت در نگاه‌های فردی نیز بسیار مؤثر است، هر چند فرد دارای مسئولیت و منصب نباشد.

ب) ویژگی‌های سلبی

قرآن کریم همان طور که به ویژگی‌های اثباتی حاکمان اسلامی پرداخته، در آیات دیگری به شرایط سلبی نیز توجه داده است. به این معنا که اگر افرادی دارای چنین ویژگی‌هایی باشند، نمی‌توانند مقام امامت و حکومت دینی را برعهده بگیرند. مثال روشن این مطلب را می‌توان در آزمون حضرت ابراهیم (ع) مشاهده کرد. آنگاه که خداوند متعال بعد از آزمون‌های دشواری حضرت ابراهیم (ع) را به امامت برگزید؛ آن حضرت این مقام را برای فرزندانش تقاضا کرد. خداوند متعال فرمود: «لاینال عهدی الظالمین»، این پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (سوره بقره، آیه ۱۲۴). زیرا پیشوایی مردم پیمانی الهی است و این پیمان به ستمگران نخواهد رسید. البته این آیه پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است مبنی بر اینکه امام باید معصوم باشد تا ولایت الهی (مرجعیت دینی، زعامت سیاسی، ولایت باطنی) در ساحت امام محقق شود. عجیب آن است که، برخی از عالمان اهل سنت نقل کرده‌اند که ابوحنیفه با استناد به همین آیه (سوره بقره، آیه ۱۲۴) با حکومت منصور دوانیقی مخالف بود و حتی قضاوتش را قبول نمی‌کرد و می‌گفت، منصور ظالم است (رشیدرضا، ۱۴۲۸، ج ۱: ۴۵۷).

۱- اشرافی‌گری

تاریخ اسلام از شکل‌گیری جریان‌هایی خبر می‌دهد که در صدر اسلام با آنکه برخی اصحاب پیامبر بودند ولی دچار لغزش‌هایی شدند که جامعه اسلامی و مسلمین را دچار گرفتاری‌های بزرگی کردند. این گروه از اصحاب پیامبر (ص) با آنکه برخی از آنها از سبقت در اسلام قبل از فتح مکه برخوردار بودند و برخی دیگر توفیق کتابت وحی نصیب آنها شده بود (ماوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۸۷). لکن بعد از پیامبر (ص) و در زمان سه خلیفه اول دچار تحول و نگرش خاصی در سطح

زندگی خود شدند، اینان اندک اندک سلوک دینی و ارزش‌های زندگی خود را در رفاه و تجملگرایی و اشرافیگری تعریف کردند (ماوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۸۸). سپس به جمع‌آوری ثروت‌های فراوان و ویژه خواری از رانت‌های حکومتی روی آوردند. آنگاه چنان به این روش زندگی خود خُو کرده بودند که وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) به حکومت رسید، این نگرش و حتی مطالبه خود را از آن حضرت درخواست کردند که با مخالفت امام (ع) مواجه شد. لذا صراحتاً به مخالفت پرداختند و جنگ و خونریزی به راه انداختند. حذیفه بن یمان در جمع سپاهیان مدائن در نامه‌ای به خلیفه دوم از رفاه زدگی کارگزاران و فرماندهان چنین می‌نویسد: «قد اترف بطونهم و خفت اعفادهم و تغیرت الوانهم». رفاه‌زدگی شکم‌های اینها را باد آورده و بازوانشان را سست کرده و رنگ چهره‌شان را دگرگون ساخته است (طبری، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۴۱).

قرآن کریم در مورد تجمل‌گرایان و کسانی که در دنیای خود دچار اسراف می‌شوند چنین می‌فرماید: «و لا تطیعوا امرالمسرفین الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون». فرمان مسرفان را اطاعت نکنید، از اسراف‌کاران پیروی نکنید همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند (سوره شعراء، آیه ۱۵۱).

تجمل‌گرایی و اسراف‌کاری برای رهبران و کارگزاران جامعه شدیداً مذموم است و باعث تبهکاری و غلبه هواهای نفسانی در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور می‌شود. در اندیشه دینی، جامعه اسلامی و بیت‌المال مسلمین نوعی امانت در ید حاکمان و والیان است؛ لذا نمی‌توان این امانتی را بدست انسان‌های مسرف و اشرافی سپرد.

محقق خویی می‌فرماید: «بیشترین گرفتاری‌هایی که برای جهان اسلام و مسلمانان در طول تاریخ پیش آمده ناشی از اسراف‌کاری و تبعیض در بیت‌المال مسلمین و بهره‌گیری ظالمانه از مناصب و امکانات بوده است» (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۸۵).

حضرت امیرالمؤمنین (ع) بیشترین خطاب‌های عتاب‌آمیز خود را در دوران حکومتش، بر سر کارگزارانی فریاد می‌کند که به بیت‌المال دست‌یازی کرده (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳ و نامه ۲۶)، و یا برای خود سهم‌خواهی کرده و اشرافی‌گری کرده بودند (نهج البلاغه، نامه ۴۰، ۵۳).

۲- تساهل دینی

مهمترین گوهری که خداوند به انسانها اعطا کرده است، دین و احکام و ارزش‌های آن است. پیامبر اکرم (ص) که برترین پیامبر الهی است، در رساندن رسالت دینی خود مورد خطاب الهی قرار می‌گیرد، که اگر ذره‌ای کوتاهی بورزد، خدای متعال گردنش را خواهد زد. «لو تقول علينا بعضی الاقاویل، لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین» (سوره الحاقه، آیات ۲۶-۲۴).

خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حاکمان واقعی اسلامی می‌فرماید: «الذین ان مکنائهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر». کسانی که اگر در زمین حکومت یابند به اقامه نماز و پرداخت زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (سوره حج، آیه ۴۱).

در سوی دیگر، حکومت کافران و مشرکان را چنین ترسیم می‌کند: «و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لایحب الفساد». آنگاه که بر اریکه حکومت نشیند تلاش می‌کند تا فساد نموده و حاصل و نسل بشر را هلاک کند و خداوند فساد را دوست ندارد (سوره بقره، آیه ۲۰۵).

مرحوم کاشف الغطاء در نامه‌ای که به فتحعلی شاه قاجار می‌نویسد در ضمن دستوراتی که گوشزد می‌کند چنین تاکید می‌کند: «تو بر مسندی نشسته‌ای که اقامه شعائر دینی و احکام الهی از وظایف اصلی تو به شمار می‌آید» (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۳۳۴). سپس مرحوم کاشف الغطاء به برخی از مصادیق دینی اشاره کرده و می‌نویسد: «باید موذنینی را قرار بدهی تا صدای اذان و اوقات نماز را به گوش مسلمانان و مؤمنان برساند» (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۳۳۵).

امام خمینی (ره) در بیانی صریحاً می‌فرماید: «ما انقلاب کردیم تا شعائر اسلامی و دین را زنده نگهداریم. ما انقلاب نکردیم که بگوییم همه چیز تمام شد حالا حکومت کنیم، ما انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۲۷).

کارگزاران نظام اسلامی باید از حساسیت بالایی نسبت به احکام و ارزش‌های دینی برخوردار کرده و از قوانین و پیمان‌هایی که ارزش‌های دینی را کنار زده یا مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند دوری کنند. مدیرانی که تسامح در ارزش‌های دینی به خرج دهند ممکن است به جاهایی برسند که در مقابل زورگویان جهانی احساس رخوت کرده و تسلیم آنان شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «و

لا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار». تکیه بر ستمگران نکنید که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد (سوره هود، آیه ۱۱۳).

۳- درشتی نکردن با مردم

در سیره اجتماعی پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومین (ع) می بینیم انعطاف پذیری و مردم داری از اصولی است که بسیار مورد توجه آنها بوده است. برخوردهای توأم با نرمی و ملایمت و به دور از هرگونه درشتی و خشونت در معاشرت‌های اجتماعی، عنصر بسیار سازنده در اصلاح جامعه و روابط بین حاکمان و مردم در مناسبات اجتماعی است.

رسول خدا (ص) فرمود: «امرئی ربی بمداراة الناس کما امرنی باقامة الفرائض» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۱). خداوند متعال در قرآن کریم به همگان می آموزد که یکی از موفقیت‌های نبی مکرم اسلام (ص) در امر رسالت و دعوتش برخورداری آن حضرت از مهربانی با مردم و خوش اخلاقی با آنان بوده است. «لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک». اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

مدارا کردن با مردم و خوش اخلاقی با آنان موجب می شود که کارگزاران با دردهای جامعه و محرومیت‌های مردم آشنا شده و درصدد رفع آنها برآیند. همیشه در جامعه کسانی هستند که دچار محرومیت یا ضعف و نقص‌هایی شده‌اند که لازم است حاکمان نسبت به آنها توجه مضاعف کرده و زمینه‌های نقص‌زدایی آنها را فراهم کنند.

امیرالمؤمنین (ع) در سیره حکومتی خود همیشه به این اصول پایبند بوده و حتی در وصیت خود بر آن تاکید فرموده است: «الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لاحیلة لهم، من المساکین المحتاجین و اهل البوسی و الزمئی». خدا را خدا در طبقه پایین از مردم، آنان که راه چاره ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و کسانی که زمین گیر شده‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

شهید مطهری (ره) می نویسد: «در منطق قرآن و اسلام، حکمرانان پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست. از این رو اگر بناست یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران» (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۴۳).

در اندیشه دینی، حاکمان و مدیران جامعه باید دلسوز مردم باشند و بر همین اساس باید به تربیت و هدایت مردم و ایجاد زمینه‌های ترقی و سعادت آنها مشغول باشند. مدیرانی که دلسوز

مردم باشند به انتقادهای عوام و خواص جامعه توجه کرده و همه نقدهای به حق را به عنوان آسیب پذیری و فرصت‌های نو پدید پذیرفته و به منصفه عمل می‌رسانند.

امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه به مالک اشتر می‌فرماید: «و اشعر قلبک الرحمة للریعة و المحبة لهم و اللطف بهم و لاتکونن علیهم سبعا ضارياً تغتمنم اکلهم». دلت را برای مردم پر از مهر و محبت و لطف کن و بر آنها چونان درنده آزار دهنده نباش که خوردن آنان را غنیمت شماری (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

۴- سوء پیشینه نداشتن (حسن شهرت)

از آنجایی که مدیران و کارگزاران در حکومت اسلامی، نماینده حاکم اسلامی به شمار می‌آیند و در امور مهمی توانایی تصمیم‌گیری داشته و در جمع‌آوری اموال و تقسیم وجوهات نیز دخیل هستند؛ لذا تا آنجایی که می‌توان باید از کارگزارانی بهره گرفت که از خانواده‌ای اصیل و پاک بوده و خودشان پیشتر گرفتار فساد و تباهی نشده باشند. مامقانی در تنقیح‌المقال می‌نویسد: «تردیدی نیست ائمه (ع) افرادی را به وکالت و نمایندگی خویش منصوب می‌کردند که پاک و مورد اعتماد باشند. حاشا که ائمه در نصب و کلا و کارگزاران به فاسق یا کافر و کالتی تفویض کرده باشند» (مامقانی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۳۱۰).

امیرالمؤمنین (ع) از جمله معیارش در انتخاب کارگزاران گذشته درخشان و نداشتن سوء پیشینه و حسن شهرت آنان بود. پیشوای پرهیزکاران در نامه به مالک اشتر می‌نویسد: «ان شر وزراء من كان للاشرار قلبك وزیراً، و من شر كهفم فی الاثام فلا یكونن لك بطانة، فانهم اعوان الائمة و اخوان الظلمة». بدترین وزیران تو کسانی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته‌اند. پس مبادا چنین افرادی محرم راز تو باشند. زیرا آنان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکاران هستند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح این که چرا امام (ع) از مالک اشتر درخواست دارد تا افرادی را در ارکان حکومتی قرار بدهد که سابقه همکاری با ظالمان را نداشته باشند، می‌نویسد: «علتش این است حرکت در مسیر فساد و همکاری با ظالمان و گناهکاران برای این افراد آسانتر است و زمینه‌های انحراف اینان بیشتر است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۲۸).

علامه حسن زاده آملی نیز در تعلیل کلام امیرالمؤمنین می‌نویسد: «بخاطر اینکه وزیران در جامعه ارتباط بیشتر با مردم دارند و مردم اکثر اطلاعات خود را از ناحیه همین وزیران دریافت می‌کنند؛ لذا امکان استفاده سوء از این اطلاعات و ارتباطات از ناحیه وزراء می‌رود. بر همین اساس امام(ع) از مالک اشتر می‌خواهد تا از شر این افراد رهایی پیدا کند(حسن زاده آملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۷۸).

با بررسی تاریخ مسلمین مبرهن می‌شود که همیشه در طول تاریخ کارگزاران ناصالح و ناشایستی بوده‌اند که با نفوذ در ارکان حکومت و تصدی مناصب مهم در پی اهداف خود کوشیده‌اند و جامعه اسلامی و مسلمین را دچار خطرات و لطماتی کرده‌اند. در همین راستاست که امام خمینی(ره) در آخرین پیام‌های خود از رهروان خود می‌طلبد نگذارند این انقلاب بدست ناهلان و نامحرمان بیفتد(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۱۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پر واضح است، کارگزاران و والیان یک حکومت و نظام، از الزامات اصلی آن به حساب می‌آیند. همچنین ساختار کارگزاران هم براساس اهداف آن حکومت‌ها تعریف و تحلیل می‌شود. بدون شک اهداف نظام‌های توحیدی و حکومت‌های الهی بویژه با قرائت شیعی، صرفاً دستیابی به قدرت و تأمین رفاه و آسایش مادی نیست بلکه رشد، تعالی، سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد. از آنجایی که حکومت اسلامی وظیفه دارد زمینه‌های رشد و سعادت جامعه و افراد را فراهم نماید، پس باید کارگزاران و مدیرانی در مناصب حکومتی قرار بگیرند که بتوانند این وظایف و اهداف را تامین کنند. با بررسی متون و آموزه‌های اسلامی روشن شد مهم‌ترین ویژگی‌های کارگزاران در بعد ایجابی؛ تقوای ویژه، توانایی و قدرت علمی، شجاعت و بصیرت در اقدام و عمل می‌باشد. ویژگی‌های کارگزاران در بُعد سلبی که به آن پرداخته شد؛ نداشتن سوء پیشینه(داشتن حسن شهرت)، نداشتن خوی اشرافی‌گری و عدم تسامح دینی است. البته ممکن است ویژگی‌های دیگری در متون دینی یافت شود، لکن این مولفه‌ها اهم موارد بوده که بقیه مولفه‌ها نیز به این‌ها بر می‌گردد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه .
ابن ابی الحديد، ابو حامد (۱۴۰۳ق)، شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۸۴)، التحرير و التنوير، مطبعة عيسى البابي، قاهره.
اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، كشف الغمه فی معرفة الاثمة، انتشارات بنی هاشمی، تبریز.
امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۱)، جهاد اکبر، بنیاد بعثت، قم.
امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، انتشارات عروج، تهران.
بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، السنن الكبرى، دارالمعرفة، بیروت.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، حیات عارفانه امام علی (ع)، انتشارات اسراء، قم.
حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۲۵ق)، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، موسسه الاعلمی، بیروت.
حسن زاده آملی، حسن (۱۴۱۷ق)، التعليقات علی مہناج البراعة، المكتبة الاسلامیة، تهران.
حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۸)، جامعه سازی قرآنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۱۷ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، المكتبة الاسلامیة، تهران.
رشید رضا، محمد (۱۴۲۸ق)، تفسیر المنار، دارالذکر، قم.
سبحانی، جعفر (۱۳۷۱)، فروغ ابدیت، انتشارات دفتر تبلیغات، قم.
شیخ الاسلامی، علی (۱۳۸۳)، شرح منازل السائرین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۴ق)، تاریخ الامم و الملوک، دارالکتب العلمیة، بیروت.
طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، امالی، انتشارات دارالتقافه، قم.
کاشف الغطاء، جعفر (بی تا)، كشف الغطاء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
مامقانی، عبدالله (۱۴۲۱ق)، تنقیح المقال، موسسه آل البيت، قم.
ماوردی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۵)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، تهران.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، تهران.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، تهران .
معینی، صغری (۱۳۷۰)، فرهنگ و اصطلاحات مدیریت، انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم.

